



بازتاب رمانتیسم در شعر لنگرودی و انعکاس آن در نقاشی قاجار

دیاکو الهی^۱، آرش مشفق^۲، ناصر علیزاده خیاط^۳

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران، d.elahi@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیا فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران، moshafeghi92@gmail.com

^۳ گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز- ایران n.alizadeh@gmail.com

چکیده

در این مقاله به بررسی بازتاب رمانتیسم در اشعار شمس لنگرودی و انعکاس آن در نقاشی قاجار پرداخته‌ایم. روش پژوهش، کتابخانه‌ای و نوع آن تحلیلی-توصیفی است. فرضیه‌ی پژوهش، بازتاب برخی از مهمترین مؤلفه‌های رمانتیسم در اشعار شمس لنگرودی است. با مطالعه و بررسی اشعار شمس لنگرودی به این نتیجه می‌رسیم که شمس لنگرودی علی‌رغم داشتن فاصله‌ی زمانی طولانی با بزرگان رمانتیسم شعر معاصر، اما همچنان به برخی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های این مکتب علاقه نشان داده و از ظرفیت‌های این مکتب برای بیان مفاهیم و مافی‌الضمیر خود سود جسته است. گرایش به رمانتیسم اجتماعی، توجه به طبیعت، استمداد از قوه‌ی تخیل به منظور خلق تصاویر بدیع، طبیعت‌گرایی و بیان مضامین عاشقانه و مبتنی بر عاطفه از مهمترین مؤلفه‌های رمانتیسم است که در اشعار شمس لنگرودی دیده می‌شود. شمس لنگرودی هرگز خود را به کاربرد تخیل صرف در اشعارش قانع نکرده و حتی با استفاده از قوه‌ی تخیل، به بیان اندیشه‌های اجتماعی و انسانی خود پرداخته است. او هرگز ظلم و ستم و نابرابری را بر نمی‌تابد اما برای بیان این مضمون به نمادها و عناصر طبیعت متوسل می‌شود تا بتواند عمیق‌ترین مفاهیم سیاسی و شدیدترین انتقادات را در قالب نمادها و استعاره‌ها بیان کند. نقاشی قاجار نیز در آن دوره سبب شد که تلفیقی شیوه‌های نو و کهنه بود. همچنین می‌توان مؤلفه‌هایی از اشعار لنگرودی را در نقاشی قاجار دید از جمله طبیعت‌گرایی، مضامین عاشقانه و رمانتیسم اجتماعی.

اهداف تحقیق:

۱. بررسی بازتاب رمانتیسم در اشعار شمس لنگرودی و نقاشی قاجار

۲. تجزیه و تحلیل مهمترین مؤلفه‌های رمانتیسم در اشعار شمس لنگرودی و بازتاب آن در نقاشی قاجار

سوالات تحقیق:

۱. بازتاب رمانتیسم در اشعار شمس لنگرودی و نقاشی قاجار چگونه است؟

۲. مهمترین مؤلفه‌های رمانتیسم در اشعار شمس لنگرودی در نقاشی قاجار چگونه نمود یافته‌اند؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۳۸

دوره ۱۶

صفحه ۴۸ الی ۶۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۱۸

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

شمس لنگرودی، رمانتیسم، تخیل، شهود، عشق، نقاشی قاجار.



DOR:

<https://dorl.net/dor/20.10>

[01.1.1735708.1399.16.38.4](https://doi.org/10.1735708.1399.16.38.4)

ارجاع به این مقاله

الهی، دیاکو، مشفق، آرش، علیزاده خیاط، ناصر. (۱۳۹۹). بازتاب رمانتیسم در شعر لنگرودی و انعکاس آن در نقاشی قاجار. *هنر اسلامی*، ۱۶ (۳۸)، ۶۰-۴۸.



[dx.doi.org/10.22034/IAS.213921.1124/](https://doi.org/10.22034/IAS.213921.1124/)



۱. مقدمه

رمانتیسم از مکاتب ادبی تأثیرگذار در شعر معاصر ایران است؛ البته تصور رایج در مورد رمانتیسم در ایران عمدتاً در پاره‌های عاشقانه‌ها، پدیده‌ای ضدرنالیستی و مبتنی بر خیال‌اندیشی و ذهن‌گرایی خلاصه می‌شود درحالی که رمانتیسم نه تنها یک مکتب ادبی بلکه جنبشی جهانی است که زمینه‌های مختلفی چون ادبیات، فلسفه، علوم اجتماعی و سیاسی، معماری، موسیقی، نقاشی، سینما و جز آن را در بر می‌گیرد. شاعران معاصر بیشتر احساسات و هیجان عاطفی خود را به تصویر می‌کشیدند و فضای رمانتیکی خاصی را بر شعر خود حاکم می‌کردند. به علاوه غنی‌تر بودن آثار رمانتیک‌های فرانسوی، از عوامل دیگر تأثیرگذاری آثار و اشعار رمانتیک فرانسوی بر آثار رمانتیک شعرای عصر نیمایی به شمار می‌رود. پس از نیما و بر اساس مقتضیات زمان، جریان رمانتیسم در شعر معاصر ادامه یافت و شاعران دیگر نیز به تبعیت از نیما و یا با رویکردی ابتکاری، به کاربرد مؤلفه‌های این مکتب در شعر خود همت گماشتند.

یکی از شاعرانی که تحت تأثیر مقتضیات زمان و به طرزی خلاقانه، به مؤلفه‌های رمانتیسم در اشعار خود توجه نشان داده، شمس لنگرودی (م ۱۳۲۹ ش.) است. مطالعه‌ی اشعار شمس لنگرودی نشان می‌دهد که او به خوبی از بعضی از مؤلفه‌های رمانتیسم بهره گرفته است و اندیشه‌ها و مضامین اشعار او در پوشش رمانتیسم به گونه‌ی دیگر در شعرش کارکرد پیدا می‌کند. برخی از مؤلفه‌های رمانتیسم مانند بیان دنیای درونی، عاطفه فردی و جمعی، عشق، کشف و شهود، نوستالژی، تخیل قوی و هم‌چنین نزدیکی به طبیعت به سبک شخصی و درونی شده در شعر شمس لنگرودی بازتاب دارد. از دیگر هنرهای دوره قاجار که تحت تأثیر رمانتیسم قرار داشت هنر نقاشی بود. ایرانیان در نقاشی قاجار مواردی از شیوه خارجی را که به مذاقشان خوش می‌آمد، انتخاب و آن را در سنت خود ادغام کردند که تلفیق شیوه‌های نو و کهنه منجر به شیوه‌ی نقاشی متمایزی شد که کلاً ایرانی بود. اولین نکته‌ای که در بررسی نقاشی دوره قاجار به چشم می‌خورد، کثرت پرده‌های رنگ و روغن به اندازه نسبتاً بزرگ است؛ استفاده از رنگ و روغن یک قرن بعد از صفویه در ایران رواج پیدا کرد.

در خصوص پیشینه پژوهش باید گفت تاکنون اثری مستقلی در این مورد به رشته تحریر درنیامده است. البته آثاری به بررسی اشعار لنگرودی پرداخته‌اند. پریسا ظفری (۱۳۹۴) اثر خود با عنوان «بررسی اندیشه‌ها و درون‌مایه‌ی اشعار شمس لنگرودی» به بررسی ویژگی‌های شعر شمس لنگرودی از دو دیدگاه - زبانی و محتوایی - پرداخته و به این نتیجه رسیده است که اشعار شمس لنگرودی در ابتدای سرایش تحت تأثیر مسائل و رخدادهای سیاسی و اجتماعی سرشار از عصیانگری و نارضایتی بوده و زبان شعری او پر از لطافت سخن است و عشق در اغلب اشعارش جریان می‌یابد. امین کنونی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی و تحلیل سبک اشعار شمس لنگرودی» به بررسی مؤلفه‌های سبکی موجود در شعر شمس لنگرودی از سه دیدگاه: زبانی (آوایی، لغوی، نحوی)، ادبی و فکری پرداخته و به این نتیجه رسیده است که چه در حیطه بیان و چه در حیطه زبان نمی‌توان او را شاعری جریان‌ساز و سبک‌ساز محسوب کرد. از منظر فکری، عواطفی انسان‌گرایانه همچون عشق، مرگ و طرح مسائل اجتماعی و سیاسی،

بیشترین تأثیر را بر شعر لنگرودی داشته است. در این پژوهش برآنیم تا بازتاب مکتب رمانتیسم در اشعار شمس لنگرودی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم تا مشخص شود که این شاعر چرا و به چه میزان به مؤلفه‌های رمانتیسم در اشعار خود توجه نشان داده است. سپس این مؤلفه‌ها با نقاشی دوره قاجار و رمانتیسم در آن مقایسه می‌گردد.

۲. رمانتیسم

اصطلاح رمانتیسم به عنوان مکتبی ادبی مابین سال ۱۸۴۸ تا ۱۷۷۰ پدیدار شد، (prabble, 1203:1985). رمانتیسم پدیده‌ای پیچیده با مفهوم بسیار گسترده است که افزون بر ادبیات، سیاست و فلسفه به طور کلی هنرها را در بر می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۲: ۲۹۱) اما رمانتیسم را آن‌گونه که از نامش پیداست باید نوعی واکنش احساسی در برابر عقلانیت به حساب آورد. رمانتیسم مکتبی است که به تخیل اهمیت می‌دهد و نویسندگان در خلق اثر تخیل استفاده می‌کند. در دوره رمانتیسم، فردیت در جامعه مطرح می‌شد و نویسندگان به خود اجازه می‌دهد که در جامعه راجع به خود سخن بگویند و تجربیات و احساسات و افکار خود را بیان نماید؛ لذا بسیاری از آثار رمانتیک جنبه جدیدی از نفس دارد (کتاب ماه ادبیات، ۱۳۸۷: ۹۱). زرقانی معتقد است: «رمانتیسم در ایران در اواخر دوره‌ی مشروطه و حدود سال ۱۳۰۰ با اشعار عشقی و بخصوص افسانه‌ی نیما شروع می‌شود؛ و اوج آن در دهه‌ی سی و پس از شکست نهضت ملی است.» (زرقانی، ۱۳۸۷: ۲۱۸-۲۱۷). بنابراین رمانتیسم به مفهوم واقعی آن، پس از دوره‌ی مشروطیت و همزمان با ظهور نیما یوشیج در شعر فارسی جلوه‌گر شد. دکتر شفیع کدکنی، رمانتیسم این دوره را متأثر از رمانتیسم فرانسه می‌داند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۴۵). بنابراین به نظر می‌رسد گسترش روابط خارجی با جوامع غربی در دوره قاجار یکی از علل بنیادین رونق رمانتیسم در ایران در آثار ادبی و هنری است.

در واقع، «عصر نیمایی را تنها دوره‌ای در ادبیات فارسی می‌توان دانست که ویژگی‌های رمانتیسم با حداکثر جلوه خود در آثار ادبی خصوصاً شعر ظاهر می‌شوند.» (لنگرودی، ۱۳۷۷: ۴۱۱) بنابراین رمانتیسم در شعر شاعران دو نوع بروز و ظهور داشت؛ «رمانتیسم مثبت تا حدودی جلوه امید را بیشتر از خود بروز می‌دهد ولی رمانتیسم منفی یا رمانتیسم سیاه، در نهایت نومیدی و یأس در آثار شعرای رمانتیک عصر نیمایی خودنمایی می‌کند.» (خضری، ۱۳۸۵: ۷۴). با این تفاسیر آثار ادبی و هنری این دوره جولانگاه احساس‌های مثبت و منفی شعرا و ادبا و هنرمندان گردید.

۳. شعر لنگرودی

محمد شمس لنگرودی در ابتدای راه شاعری تحت تأثیر زبان و نگاه فریدون توللی و فریدون مشیری و به ویژه نادر نادرپور بود. با وارد شدن به جریان‌های سیاسی و تحت تأثیر شرایط زمانه به شعر سیاوش کسرایی و در نهایت احمد شاملو متمایل می‌شود و می‌توان بخش بزرگی از اشعار او را متأثر از زبان شاملو دانست (شریفی، ۱۳۹۲: ۵۴). زبان ساده، کوتاه نویسی، طنز، پرداختن به زندگی روزمره و پر رنگ بودن عشق از ویژگی‌های اصلی شعرهای اخیر شمس لنگرودی است (رخشا، ۱۳۸۷: ۳۲). او گاه از رمانتیسم فردی و گاه رمانتیسم انتقادی در بیان مسائل انسانی و اجتماعی و نقد مظاهر زندگی معاصر استفاده می‌کند. زیرا «شعر رمانتیک مدرن امروزی به شعر رمانتیک اروپایی نزدیک است و

خواننده را از رؤیاهای آرمانی که با زبان کلیشه‌ای ادا می‌شود، دور می‌کند و رنگ پست مدرنیستی به درون مایه‌های رمانتیک می‌بخشد» (تسلیمی، ۱۳۸۷: ۲۶۷).

در شعر شمس در برابر ذهنیت رمانتیکی توجه مستمر بر اندیشه در روند شعر تأثیرگذار است. در حقیقت، «شعر شمس مولفه‌های رمانتیکی متعالی دارد و با وجوه مختلف رمانتیسم (تغزل، عاطفه، نوستالژی و...) اساساً جهان دیگری را در متن اشعار روایت می‌کند.» (رخشا، ۱۳۸۷: ۱۳۳) کارکرد رمانتیسم در شعر او یاور و نیرودهنده‌ی شعر اوست. شمس بر اساس ذهنیت عاطفی همیشگی خود، از ظرفیت رمانتیسم به صورت ناخودآگاه و هم چنین هوشیارانه در بیان اندیشه‌هایش بهره می‌برد. «رمانتیسم چیزی جز شور و شوقی که می‌خواهد، جهان را به شکلی انسانی تر بازآفرینی کند نیست. رمانتیسم نیرویش را به تمامی از آرمان می‌گیرد و در حقیقت این دو یکی هستند و نیستند و هر دو آن در شعر شمس لنگرودی پیدا هستند و ناپیدا می‌شوند» (همان: ۱۳۲).

۴. نقاشی قاجار

بن‌مایه‌های نقاشی دوره قاجار را می‌باید در دوره‌های پیشین این هنر ایرانی جستجو کرد. با جریان‌های مختلف فرهنگی و سیاسی که از دوره صفویه به بعد در ایران به وجود آمد. تأثیرات نقاشی دولت‌های غربی در نقاشی‌های واقع‌نمایی این دوره را می‌توان به خوبی دید. این واقع‌نمایی در آغاز، در تضاد با انتزاع در هنر نگاری نمود. اما با گذشت زمان هنرمندان با رویکرد به ترکیب‌نمایی‌شناسی نگارگری واقع‌نمایی غربی چاره را دریافتند که این خود نیز نقاشی ایرانی این دوره را تحت تأثیر قرار داد. دوره قاجار اوج التقاط‌گرایی این هنر است که در بطن خود به لحاظ محتوایی مضمایی را در پی داشت، در این نوشته به آن پرداخته شده است (حاتم، ۱۳۸۷: ۲۹). آنچه به نقاشی قاجار معروف است، با سلطنت "آقا محمدخان" شروع نمی‌شود، بلکه از دوران پادشاهی "کریم‌خان زند" آغاز می‌گردد. برجسته‌ترین نقاشان دربار کریم‌خان از شیراز به تهران رفتند و هسته مرکزی هنرمندان دربار قاجار را تشکیل دادند. هنرمندان این دوره را «دوره فرنگی‌سازی» نام نهاده‌اند؛ ایرانیان در این دوره مواردی از شیوه خارجی را که به مذاقشان خوش می‌آمد، انتخاب و آن را در سنت خود ادغام کردند که تلفیق شیوه‌های نو و کهنه منجر به شیوه‌ی نقاشی متمایزی شد که کلاً ایرانی بود. اولین نکته‌ای که در بررسی نقاشی دوره قاجار به چشم می‌خورد، کثرت پرده‌های رنگ و روغن به اندازه نسبتاً بزرگ است؛ استفاده از رنگ و روغن یک قرن بعد از صفویه در ایران رواج پیدا کرد. بیشترین تصاویر این پرده‌ها، مربوط به چهره "فتحعلی‌شاه" بود که خود دوستدار هنر و هنرمندان و البته شیفته خود بود (تاجبخش، ۱۳۸۰: ۴۱). یکی از مشخصه‌های موجود در نقاشی دوره قاجار ارائه و رواج خیالی‌نگاری‌ها است. این شیوه در دوره قاجار براساس سنت نقاشی رایج در آن دوران با استفاده از ابزار رنگ و روغن و بوم پارچه‌ای و ابزار دیگر، همچنین فرهنگ و مذهب عموم جامعه در دوره قاجار با شکل جدید گسترش یافت. نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای یا خیالی‌نگاری، شیوه‌ای خاص از هنر نقاشی و یکی از هنرهای مردمی و با سابقه در جامعه ایرانی است که از دل سنت‌های ایرانی سر برآورده و بسیار قدیمی‌تر می‌باشد که از نظر خصوصیات فیگوراتیو و مصالح به کار گرفته شده در دوره قاجار متفاوت ارائه شده

است (عطاری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۷). بنابراین طبیعت‌گرایی موجود در نقشی قاجار، خیالی‌انگاری از مهمترین جلوه‌های رمانتیسم در نقاشی دوره قاجار بود.

۳- انعکاس رمانتیسم در اشعار شمس لنگرودی و نقاشی قاجار

شمس لنگرودی را می‌توان از آخرین شاعرانی به شمار آورد که رگه‌هایی از رمانتیسم در اشعارش نمود یافته است. در این دوره یعنی دهه‌ی شصت، شاعرانی مانند فرشته ساری، ندا ابکاری، ژیلا مساعد و شمس لنگرودی به تقدس‌زدایی در شعر می‌پردازند و «وجه بارز شعر این شاعران ایدئولوژی‌زدایی و ادبیات‌زدایی است. دیگر شمس لنگرودی خود را مقید نمی‌بیند که زبانی مثل زبان فخیم شاملو تولید کند، بلکه سعی می‌کند زبان را در ارتباط با زندگی قرار دهد» (لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۰۶). چنان‌که ذکر شد، لنگرودی گاهی از رمانتیسم فردی و گاهی رمانتیسم انتقادی در بیان مسائل انسانی و اجتماعی و نقد مظاهر زندگی معاصر استفاده کرده است:

«به سرش زده باد / نگاهش کنید! / چگونه میان درخت‌ها می‌دود، و سرش را به پنجره‌ها می‌کوبد به سرش زده باد / دستش را به دهان / گنجشک‌ها گذاشته نمی‌گذارد سخنی بگویند / آب حوضچه را به هم می‌ریزد / فرصت نمی‌دهد که گلویش را ماه تر کند / به سرش زده این برهنه گرما زده (شمس لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۳۱).

شمس لنگرودی همانند شاعران رمانتیک، دیدی عاطفی و شاعرانه نسبت به زندگی دارد و به جای فلسفه‌بافی‌های پوچ‌گرایانه در مورد زندگی، سعی در خلق تصویری دلنشین و امیدوارانه از زندگی دارد:

«من نه طنابم که پاره شوم / نه شاخه‌ی انجیرم که بشکنم / خاکم که هر چه از آسمان ببارد / باید تحمل کنم / شمشیرم که اگر بجنیم، غلافم را می‌درم / انار شکسته‌ای به کوزه‌ی آبی می‌افتد / پروانه‌ای ترس خورده / از لای سایه‌ها پرواز می‌کند / قطره آبی می‌چکد / قلب چلچله‌ای آب می‌شود / چاره‌ای نیست، / زندگی همین، ندانستن و ترسیدن / و پرواز کردن است / بین چه روشنایی شیرینی بر پیشانی سبب‌ها می‌درخشد!» (همان: ۱۰-۹)

بیان مسائل انسانی و اجتماعی از مختصات شعر لنگرودی است که در نقاشی این دوره نیز دیده می‌شود.



تصویر شماره ۱: زنان قالی‌باف، کار موسی ممیزی، ۱۳۱۳ق، (منبع: پاکباز، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

نقاشی این دوره تحت تأثیر رمانتیسم رایج در این دوره بخشی از مفاهیم خود را به زندگی روزمره مردم و دغدغه‌های اجتماعی اختصاص داده است.

۲-۳- طبیعت‌گرایی

درباره‌ی چگونگی حضور طبیعت در شعر شمس لنگرودی باید گفت که شعر او وصف و تصویرسازی از طبیعت نیست. طبیعت در درون و بستر شعر وجود دارد، در ذهن و اندیشه شاعر همراه است. این طبیعت درونی شده برای بیان اندیشه یاری‌گر او می‌شود. در نتیجه، با نگاهی نو می‌نگرد. یکسان‌نگری انسان و طبیعت، حضور مستقل اشیاء و طبیعت، بیان عاطفی و انسانی شاعر ملموس است. با نوعی احساس و عاطفه با طبیعت رو به رو می‌شود و طبیعت علاوه بر بیان اندیشه‌ی شاعر، منشأ عاطفه و احساس و تأمل است. به طور کلی، تخیل شاعر رمانتیک، با طبیعت نوعی تعامل و رابطه مقابل برقرار می‌کند. شمس لنگرودی از این تعامل و رابطه‌ی متقابل در شعرش بهره می‌گیرد. در شعر شمس مسأله‌ی تاثیر طبیعت معنا ندارد، بلکه حضور طبیعت معنا دارد طبیعت با حالات روحی و ذهنی آفریننده یکی می‌شود، همخوانی می‌یابد. «طبیعت در نظر شاعر هم علت است هم معلول، از بیرون خود آغاز می‌کند و به درون نقب می‌زند» (شریفی، ۱۳۹۲: ۱۰۱). البته ذهنیت موجود در این اشعار به مراتب واقع‌بینانه‌تر از رمانتیک‌های سلف است و اشعار از نظر نوع نگاه و اجرا به روزتر و با زبانی مدرن‌تر به نظر می‌رسند:

«درختان/ از جشن بزرگ برگ‌ریزان/ باز گشته‌اند/ تا کولبار هراس خود را بگشایند/ کسی به تاریکی نمی‌اندیشد/ در گوشه‌ی اعماق/ پسری بر بخار شیشه/ رنگین‌کمانی بی‌رنگ می‌کشد...» (همان: ۸۳)

شمس لنگرودی گاه از عناصر طبیعت به شکلی نمادین استفاده می‌کند و از ملموس‌ترین پدیده‌های پیرامون خود برای بیان افکار و احساساتش سود می‌جوید. در شعر زیر که حال و هوای شاملوبی دارد، شاعر با استمداد از عناصر طبیعت، معشوق خود را مخاطب قرار داده و نهایت عشق و علاقه‌ی خود را به او نشان می‌دهد:

«می‌گذاشته‌ام که پرندگان ببینند/ اگر گل سرخی بودی/ به شعله‌ی زرتشت می‌سپردم/ اگر آتش بودی/ اما تو گلی آتشی/ و پرنده‌ی زائری جز من نیست.» (همان: ۲۵۴)

تصویرسازی با استمداد از عناصر طبیعت نیز از مؤلفه‌های رمانتیسم است که در شعر شمس لنگرودی دیده می‌شود. به گفته‌ی ویلیام کارلوس ویلیامز، «اندیشه اگر هست در اشیا است... در شعر ایماژیستی به جای واژه عبارت را باید واحد معنایی در نظر گرفت که این خود تأکیدی است بر شکل به مثابه‌ی یک کل: در واقع، گاه برخی از اشعار ایماژیست‌ها جمله‌ی ساده‌ای است که عناصر آن به شیوه‌ی خاصی در زیر هم چیده می‌شود و از طریق حس بصری ایجاد تصویر شعری می‌کند.» (انوشه، ۱۳۸۱: ۱۸۰) شمس لنگرودی نیز، شعر خود را شعر اشیاء نامیده است:

«و ترانه‌هایم/ رودخانه‌ی اشیاست/ که در برگ نسیمی/ جاری می‌شود.» (لنگرودی، ۱۳۹۰: ۲۷۹)

در مجموع، استفاده از عناصر طبیعت با نیم‌نگاهی به مفاهیم و ارجاعات ذهنی آن‌ها، یکی از مهمترین ویژگی‌های رمانتیسم است که در اشعار شمس لنگرودی دیده می‌شود.



تصویر ۲: گل و مرغ، قاجاریه، اواسط قرن نوزدهم. (منبع: کنبای، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

در نقاشی‌های دوره قاجار نیز می‌توان این مؤلفه را به وضوح دید. نقاشان دوره قاجار از طبیعت الهام گرفته‌اند و طبیعت‌گرایی در اغلب نقاشی آن‌ها خصوصاً نقاشی‌های دیواری دوره قاجار کاملاً نمود یافته است.

تخیل

تخیل یک اصل در رمانتیسم است و در شعر غنایی و تغزلی نیز نقش محوری دارد. «در زیبایی‌شناسی رمانتیک عواملی وجود دارد که آشکارا زمینه را برای رشد و گسترش شعر غنایی مساعد می‌کند و آن را توسعه می‌دهد. نخستین و مهم‌ترین این عوامل، مفهوم جدید تخیل است.» (فورست، ۱۳۷۶: ۸۰) اما تخیل در رمانتیسم با استفاده از نمادها باعث به وجود آمدن فضاهای مبهم و خیالی در شعر می‌شود. در شعر شمس تخیل قوی همراه با احساس و عاطفه شخصی با عنصر تجربه تصویرسازی می‌شود:

بنابراین، تخیل رمانتیکی شمس مبهم و خیالی نیست، عنصر تخیل در محور عمودی شعر با زبان ساده تصویرها را بهم پیوند می‌دهد، می‌توان گفت کیفیت و قدرت شاعر در نوآوری تصویر رمانتیک به عنوان ابزار بیان اندیشه و احساس موفق عمل نموده است. «زیبایی‌شناسی (شعر) شمس لنگرودی مبتنی بر اصل غافلگیری است. غافلگیری که با تخیل و زبان تولید می‌شود.» (کاکاوند، ۱۳۸۷: ۱۸۱). یکی از بارزترین خصیصه‌ی سبکی شمس، بهره‌گیری از نمادهای طبیعت است. او ابتدا از این ابزار بسیار استفاده کرده اما نه به صورت رئال، بلکه سخن خود را در هاله‌ای از تخیل می‌پوشاند تا شعرش تأویل‌پذیر شود یعنی به سمت سوررئال قدم می‌گذارد:

«این شام دیگری‌ست / که هراس برآمدن ماه / دریای توفنده را / به سوراخ کوه باز می‌گرداند.» (لنگرودی، ۱۳۹۰: ۵۹)

تصویرگری از مشخصات واضح اپیزودهای سبک‌ساز شمس لنگرودی که توجه مخاطب را به خود معطوف می‌کند. هرچند نمادهای طبیعت به صورت استعاره به کار رفته‌اند اما تخیل در آن طبیعی و قابل لمس است. پس هرچند شمس لنگرودی با استفاده از عنصر تخیل، تا آخر شاعر طبیعت می‌ماند اما نحوه‌ی استفاده از آن تفاوت چشم‌گیری می‌نماید و این، باعث خیالی‌تر شدن و به عبارتی پست مدرنیته شدن طبیعت در شعرش می‌گردد. «یکی از کارکردهای شعر این است که تخیل را برمی‌انگیزد و در مخاطب، وضعیتی روحی و روانی ایجاد می‌کند که از نظر ذهنی، آن تخیل به حرکت درآید یعنی باعث درگیری مخاطب با شعر می‌شود.» (مسلمیان، ۱۳۸۷: ۵۹)

در شعر زیر، شاعر با استمداد از قدرت تخیل خود به خلق تصاویری زیبا از دریا و اشک می‌پردازد که عنصر تخیل در اشعار شاعران رمانتیک را فرا یاد می‌ورد:

«اگر گنجشکی تازه بالی / در شعر کوچک من لانه کن / اگر آفتابی تازه زادی و راه را نمی‌شناسی / در آسمان خانه‌ی من پرسه زن / اگر توفانی و دریاهایت کوچک‌اند / در بستر من شعله ور شو / ای بادپا که دسته کلید دریاها در دست توست / صندوق قدیمی را باز کن / و نقشه‌ی ملاحان گمشده را به من ده / ببین چگونه مرواریدها تکثیر می‌شوند / بر آتش مژگان من.» (همان: ۲۲۴).

مؤلفه تخیل‌گرایی به عنوان یکی از شاخصه‌های مکتب رومانتیسم در نقاشی‌های دوره قاجار نیز دیده شده است.



تصویر: کشته شدن اکوان دیو به دست رستم، از شاهنامه داوری. ۱۲۷۹. (منبع: پاکباز، ۱۶۰).

مؤلفه تخیل خصوصاً تخیل در نقشی دوران قاجار نقش بسزایی داشته است. در اینجا نقاش با استفاده از قدرت تخیل خود مبارزه رستم و دیو را به تصویر کشیده است (تصویر ۳).

از لحاظ زبانی عاشقانه‌های فردی و غیر فردی بیشتر با زبان ساده و به دور از پیچیدگی‌های معنایی سروده شده است. کلید واژه‌های اشعار عاشقانه، طبیعت و موجودات هستی می‌باشند. واژه‌ها گویای جهان‌بینی این دوره‌ی شاعرند. باران، خزه، دریا، ستاره، زنجره، صنوبر، آفتاب، پرند، نیسم بهاری، پروانه، ماه، مارمولک، سنجاقک‌ها، چشمه، شاخه‌ها، شبنم. علی‌رغم تلفیق زبان روزمره و آرکائیک در بعضی از دفترها، در عاشقانه‌ها تقریباً زبان یکدست است. شمس لنگرودی در این دوره به خصوص در عاشقانه‌ها از واژگان تاریک دوری می‌کند. دایره‌ی واژگانی شاعر در بیان عاشقانه‌ها وارد کردن کلماتی است که متفاوت با جنس واژه‌های تغزلی است. در واقع، از واژه‌های نامتجانس استفاده می‌نماید، اما در بیشتر موارد به خوبی آن‌ها را در کنار واژه‌های معمول و مستعمل در فضای شعر جای داده است و تصویر شعر را امروزی‌تر و ملموس‌تر می‌نماید و از فضای رازآمیز بیرون می‌آورد. کاربرد کلمات چاقو، بمباران، پیاز، اره، سگی ترس خورده، جنگ، هار، شغال، اسلحه، گاو نر، خاکریز، مین، صابون، خمپاره، و... در کنار واژه‌های قدیس، فرشته، سمیرغ، آفتاب، ماهی، نور، و... خود نمایی می‌کند:

«پنج‌شنبه است / تو پیشم نیستی / آفتاب / مثل سگی ترس خورده مرا می‌پاید / او میلی به ترک لانه‌ی خود ندارد.» (شمس لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

علاوه بر این، تصاویر در اشعار عاشقانه نقش عمده‌ای دارند و تصویرسازی‌های نو با روش چندگانه، قدرت ذهن و زبان شاعر را آشکار می‌سازد و نشانه‌ی تسلط شاعر بر فضا و ساخت اشعار است. دریافت‌های خاص شاعر به همراه تخیل قوی با بار عاطفی گسترده و منسجم با تلفیق عینیت و ذهنیت و قابلیت تعمیم‌پذیری در تمامی دفترها نیرودهنده‌ی

شعر است. «تصاویری که گاه مکمل عنصر روایت شعرهاست و گاه به تنهایی خود شعر. تصاویری که نسبت به قرائت های قبلی و حتی داستان ها و اشعار کلاسیک عشقی، شکل نگرفته، بلکه می‌خواهد دریافت و دنیای یک شاعر را از عشق و مسائل مربوط به آن، برایمان به نمایش بگذارد، تصاویر بکر و نو با بار معنایی چندگانه تا در فضایی نو، وضعیت عاشقانه جدید را ایجاد کند» (قنبری، ۱۳۸۳: ۷)

در اغلب شعرها، تخیل شاعر منجر به ایجاد تصاویری می‌شود که مخاطب به راحتی با آنها ارتباط برقرار می‌کند، تصاویری که در عین سادگی، بار معنایی را که در ذهن شاعر است به مخاطب انتقال می‌دهد:

«می‌نویسم چنان زیبایی / که صخره‌ها سر راht آب می‌شوند / تا با تو راهی دریا شوند / کرجی‌ها به صخره پناه می‌-
برند تا پیشت بمانند و به بستر دریا نیفتند / می‌نویسم چنان زیبایی / که تمامی آب‌ها دهانه‌ی دریا جمع می‌روند تا
ورود تو را ببینند / ای رود...» (همان: ۳۰۸).



تصویر ۵- نقاشی دختر قجری منبع: Un Catalogue De Peintures Qajar Executes Au 18e Et 19e Siècle's, Hardcover – 1971

در نمونه‌هایی از نقاشی‌های قاجار مؤلفه عشق و مضامین عاشقانه را می‌توان بسیار دید. در تصویر شماره ۵، نیز دختر عاشق قاجاری به تصویر کشیده شده است که تابلوی معشوق نیز در تصویر وجود دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رمانتیسم در اشعار شمس لنگرودی نشان می‌دهد که این شاعر علی‌رغم داشتن فاصله‌ی زمانی طولانی با بزرگان رمانتیسم شعر معاصر، اما همچنان به برخی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های این مکتب علاقه نشان داده و از ظرفیت‌های این مکتب برای بیان مفاهیم و مافی‌الضمیر خود سود جست است. گرایش به رمانتیسم اجتماعی، توجه به طبیعت، استمداد از قوه‌ی تخیل به منظور خلق تصاویر بدیع، طبیعت‌گرایی و بیان مضامین عاشقانه و مبتنی بر عاطفه از مهم‌ترین مؤلفه‌های رمانتیسم است که در اشعار شمس لنگرودی دیده می‌شود. شمس لنگرودی هرگز خود را به کاربرد تخیل صرف در اشعارش قانع نکرده و حتی با استفاده از قوه‌ی تخیل، به بیان اندیشه‌های اجتماعی و انسانی خود پرداخته است. او هرگز ظلم و ستم و نابرابری را برنمی‌تابد اما برای بیان این مضمون به نمادها و عناصر طبیعت متوسل می‌شود تا بتواند عمیق‌ترین مفاهیم سیاسی و شدیدترین انتقادات را در قالب نمادها و استعاره‌ها بیان کند. در مجموع شمس لنگرودی را می‌توان از آخرین شاعرانی دانست که به مؤلفه‌های رمانتیسم توجه نشان داده است و برای بیان مضامین اجتماعی، سیاسی، عاشقانه و غیره از سبک شاعران رمانتیک سود جست است. او مخصوصاً پس از رهایی از زندان، مرز خیال و تصور را در اشعار خود گسترش داده و به تعریفی رمانتیک از زندگی دست یافته است. مطالعه حاضر نشان داد که می‌توان مؤلفه‌های مهم شعر لنگرودی از جمله رمانتیسم اجتماعی، شهود، تخیل و مضامین عاشقانه را می‌توان دید. نقاشی دوره قاجار نیز به موازات گسترش روابط با غرب و ورود انگاره‌های رمانتیسم از کشورهای غربی، تحت تأثیر رمانتیسم قرار گرفت به طوری که مطالعه این آثار حاکی از غلبه عناصر خیال‌انگیزی و طبیعت‌گرایی در این آثار است.

منابع و مآخذ:**کتاب‌ها:**

- انوشه، حسن. (۱۳۸۱). دانشنامه ادب فارسی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: نارستان.
- پاکباز، رویین. (۱۳۷۹). نقاشی ایرانی از دیرباز تا امروز. تهران: زرین.
- تاجبخش، احمد. (۱۳۸۰). هنر و فرهنگ قاجار. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- تسلیمی، علی. (۱۳۸۷). گزاره‌هایی در ادبیات معاصر. تهران: اختران.
- خضری، حیدر. (۱۳۸۵). مطالعه‌ای در رمانتیسیم معاصر در شعر عربی و فارسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- رضایی، اربل. (۱۳۸۲). واژگان توصیفی ادبیات. تهران: فرهنگ معاصر.
- زرقانی، مهدی. (۱۳۸۷). چشم‌انداز شعر معاصر. تهران: سپید.
- سیف، هادی. (۱۳۷۰). کتاب نقاشی قهوه‌خانه. تهران: انتشارات موزه رضا عباسی.
- شریفی، فائز. (۱۳۹۷). شعر شمس لنگرودی از آغاز تا امروز. تهران: نگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). صورخیال، تهران: انتشارات آگه.
- شمس لنگرودی، محمد. (۱۳۸۷). باد شور جنون. تهران: چشمه.
- فورست، لیلیان. (۱۳۷۶). رمانتیسیم. ترجمه مسعود جعفری تهران: نشر مز.
- کاکاوند، رشید. (۱۳۸۷). یک لذت پیش‌بینی نشده. تهران: گوه‌ران.
- کنبای، شیلا. (۱۳۸۱). نگارگری ایرانی. ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- مسلمان، نصرالله. (۱۳۸۷). تفسیر شعر شمس. تهران: گوه‌ران.

مقالات:

- حاتم، جمشید. (۱۳۸۷). "نگاهی به نقاشی قاجار". دو فصلنامه تخصصی هنرهای تجسمی نقش‌مایه، شماره ۲، صص ۲۹-۳۶.
- رخشا، رسول. (۱۳۸۷). "در حضور عاشقانه‌ها". فصلنامه فرهنگ و هنر گوه‌ران، شماره ۱، صص ۲-۴.
- قنبری، رضا. (۱۳۸۳). «پیوند عشق و منطق»، روزنامه شرق، صص ۳-۴.

عطاری، علیرضا و همکاران. (۱۳۹۷). "پیشینه مضامین، موضوعات و ساختار بصری خیالی نگاری‌های دوره قاجار در هنر". فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۱، صص ۱۶۴-۱۳۴.

References

- Anoosheh, H. (2002). Persian literary encyclopedia. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Volume II.
- Tajbakhsh, A. (2001). Qajar Culture and Art. Shiraz, Navid Shiraz.
- Taslimi, Ali. (2008). Proposals in Contemporary Literature (Premodern, Modern, Postmodern Poetry). Akhtaran Publication Second Edition.
- Khazri, H. (2006). A Study of the School of Romanticism in Contemporary Arabic and Persian Poetry. Ph.D. Thesis in Arabic Language and Literature, Tehran: Tarbiat Modarres University.
- Rakhshah, R. (2008). "In the Presence of Romance, Quarterly Journal of Gohran Culture and Art". No, 1, 2-4.
- Rezaei, A. (2003). Descriptive Vocabulary of Literature: English and Persian. Tehran: Contemporary Culture.
- Zarqani, M. (2008). The Perspective of Contemporary Poetry. Tehran: Third Edition.
- Sharifi, F. (2013). Shams Langroudi's Poetry from Aghas to Today, Tehran, A Look
- Shafi'i Kadkani, M. (1993). Sourkhial. Tehran: Agh print, Fifth Edition.
- Shams Langroodi, M. (1366). The Salty Wind of Madness. Cheshme Publication, Tehran: First Edition.
- Ghanbari, R. (2004). "The Link of Love and Logic (Review 1 song)". Shargh Newspaper, July 6, 4-3.
- Moslems, N. (2008). "Interpretation of Shams Poetry. Imagining it makes it difficult, Gohran". Tehran, January 19/20, 58-61.